

ماشین گشتاری به نام صلح،

به بهانه‌ی حضور شاهین نجفی در کنسرتی در تل‌آویو

عسل اخوان

کن لوچ، ربکا اوبرایان و پل لاورتی^۱ در سال ۲۰۰۹ از فستیوال فیلم ملبورن درخواست می‌کنند که به دلیل حضور اسرائیل در این فستیوال، فیلم‌شان «در جستجوی اریک» را حذف کنند. آن‌ها در نامه‌ای توضیحی می‌نویسند: «کمی بعد از محاصره‌ی غزه با مسئول موسسه‌ی حقوق بشر در آن‌جا صحبت کردیم و او به ما گفت که اسرائیل مواد لازم برای آب غزه را قطع کرده است، که این موضوع خود مثال روشنی‌ست که چطور نیمی از جمعیت را به این شکل تنبیه می‌کنند. دست‌اندرکاران این فیلم در آن متن ضمن اعلام مسئولیت خود نسبت به درخواست مردم فلسطین برای پیوستن به جنبش بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم^۲، از دیگر فیلم‌سازان، بازیگران و هنرمندان برای ملحق شدن به این کارزار جهانی بایکوت فرهنگی دعوت کرده و تأکید می‌کنند که مهم است پیش از شرکت در هر فستیوالی به مساله‌ی عدم حضور دولت اسرائیل توجه کنند، از این موضوع مطمئن‌شوند و در صورت ارتباط آن فستیوال با دولت یا مؤسسات اسرائیلی آن را بایکوت کنند.^۳»

هنرمند دیگری که به فلسطین وفادار ماند راجر واترز است. او در سال ۲۰۱۳ در نامه‌ای به خانواده‌ی راک اند رول بر پیوستن به کارزار «بی.دی.اس» علیه اسرائیل تأکید می‌کند: «لطفاً به من و همه‌ی برادران و خواهرانم در جامعه‌ی مدنی جهانی در نفی آپارتاید در اسرائیل و اراضی اشغال شده‌ی فلسطینی بپیوندید و از همه بخواهید که در اسرائیل هیچ برنامه‌ای اجرا نکنند تا زمانی که اسرائیل به قوانین بین‌المللی و اصول جهانی حقوق بشر پایبند باشد.»^۴

اکنون، در سال ۲۰۱۷، یعنی حدود ۱۲ سال پس از شروع به کار کارزار بایکوت، شاهین نجفی که خودش را صدای اعتراض معرفی کرده بود با شعفی خاص در صفحات رسانه‌های اجتماعی خود می‌نویسد:

۱. کن لوچ، ربکا اوبرایان و پل لاورتی به ترتیب کارگردان، تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس فیلم «در جستجوی اریک» هستند.

۲. برای آشنایی بیشتر با این کارزار به ترجمه‌ی فارسی این متن در معرفی این کارزار در تارنمای پراکسیس مراجعه کنید: <http://praxies.org/?p=2451>

3. Ken Loach, Rebecca O'Brian and Paul Laverty, "looking for Eric, Melbourne Festival, and the cultural boycott", in "The case for sanctions against Israel", edited by Audrea Lim. Verso, London: 2012

۴. نامه‌ی راجر واترز در دعوت از «خانواده راک اند رول» به پیوستن به کارزار «بی.دی.اس» علیه اسرائیل <http://praxies.org/?p=2808>

«از آشنایی و همکاری با هنرمند مطرح عرصه راک جهانی آویو گفن بسیار خوشحالم. آویو از من دعوت کرد تا در کنسرت بزرگ دوم مارچ او در تل آویو به عنوان خواننده میهمان شرکت کنم.

این همکاری می‌تواند امکان بسیار مهمی برای ابراز دوستی میان مردم، جدا از نظام‌های سیاسی باشد.

مذهب آویو، انسانیت است و آرزوی او جهانی بدون خشونت و نیز صلح کامل میان اسرائیل و فلسطین است. او سمبل بسیاری از جوانان اسرائیلی بوده و هست.

آویو گفن به همراه استیون ویلسون از گروه پورکیپاین‌تری، بنیانگذار گروه بلک‌فیلد می‌باشند.

امیدوارم شاهد همکاری هنری بیشتر میان هنرمندان جهان فارغ از زبان و نژاد و مذهب باشیم.»^۱

شاهین نجفی، خواننده‌ای که خود را همراه سرکوب‌شدگان و ستم‌دیدگان معرفی می‌کند به دعوت آویو گفن به شهر اشغال‌شده تل آویو می‌رود تا برای صلح میان اسرائیل و فلسطین بخواند. او نه تنها بر خلاف درخواست جامعه‌ی مدنی فلسطین علیه جنبش بایکوت حرکت می‌کند بلکه در مورد آویو گفن و حتی مفهوم صلح ریاکارانه می‌نویسد.

در تارغای سالنی که این کنسرت در آن برگزار می‌شود نوشته شده که آویو گفن در شکست «بی.دی.اس» با دعوت از خواننده‌ای انگلیسی (که شاهین نجفی هم در همان برنامه می‌خواند) موفق بوده است.^۲ آویو گفن بر خلاف گفته‌ی نجفی همان کسی است که پس از مرگ اسحاق رابین، پنجمین نخست‌وزیر اسرائیل، آهنگی در سوگ او خواند^۳؛ همان اسحاق رابینی که در انتفاضه‌ی اول به ارتش دستور داد تا استخوان‌های دست و پای معترضان را بشکنند، و بیش‌تر شهرک‌ها پس از پیمان اسلو تحت کنترل او ساخته شدند. در دیداری که آویو گفن با راجر واترز داشته به او گفته است که واترز هیچ ایده‌ای در مورد اسرائیل ندارد و الان زمان آن فرا رسیده که وزارت امور خارجه‌ی اسرائیل در دفاع از اسرائیل فعال شود. گفن، که به گفته‌ی شاهین نجفی آرزوی صلح کامل میان فلسطین و اسرائیل را دارد، از حملات اسرائیل به غزه دفاع کرده^۴ و در مصاحبه‌ای در مورد حملات و جنایت‌های سال ۲۰۱۴ اسرائیل در غزه گفته است که الان برهه مناسبی برای اعتراض نیست، و اکنون باید به همراه خانواده‌های اسرائیلی‌ای که سربازی در این جنگ دارند غمگین باشیم. او همچنین تأکید می‌کند که از دست افرادی که سربازان اسرائیلی در جنگ غزه را جنایتکار جنگی

۱. نقل قول از صفحه‌ی رسمی فیس‌بوک شاهین نجفی

۲. یکی از اعضای «بی‌دی‌اس از داخل» که به زبان عبری مسلط است این بخش از تارغما و برخی از لینک‌های دیگر را برای نویسنده‌ی این متن ترجمه کرده است.

۳. آهنگ آویو و مطلبی درباره‌اش گفن:

<http://blogs.timesofisrael.com/a-song-for-rabin/>

<http://www.tabletmag.com/jewish-arts-and-culture/music/175560/aviv-geffen>

4. <http://www.timesofisrael.com/pro-peace-rocker-backs-gaza-op/>

می‌خوانند بسیار عصبانی است؛ از این رو ترانه‌ای برای یک سرباز اسرائیلی که در غزه کشته شد نوشت و از ارتش خواست که با حضور او کنسرتی برای سربازان برگزار کند.^۱

مساله روشن است؛ صلح برای صهیونیست‌هایی مانند آویو گفن که حاضر به از دست دادن هیچ امتیازی نیستند فقط یک واژه است که در همان حال که از صلح می‌گویند از حمله به غزه دفاع می‌کنند. این نشانه‌ی همان رویکردی است که صلح را بدون نیاز به خواست عدالت و برابری فقط به مثابه نمایشی رمانتیک برای اهداف خود به کار می‌برد. همان تناقضی که خودش را در شاهین نجفی هم هویدا می‌کند؛ چون می‌توان «از درد مردم کاخ ساخت» و مخاطب‌ها متوجه نشوند. نجفی آن جایی که خود را ضد سیستم و آوانگارد معرفی می‌کند، از خواننده‌های وزارت ارشادی خرده می‌گیرد و در کلیپ تبلیغاتی‌اش^۲ با گفن هیچ حرفی جز همان تبلیغات جریان اصلی نمی‌زند، پیغامش همانند آن کمپین بهاران عشق میان ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها در عادی‌سازی جنایت نقش دارد. به نحوی متناقض از زحمت‌کشان و ستم‌دیدگان می‌خواند و فلسطینی‌های ستم‌دیده‌ای که ۷۰ سال تحت اشغال و استعمار مقاومت می‌کنند را نادیده می‌گیرد؛ از کریس دی‌برگ می‌خواهد به ایران نرود اما به فراخوان جامعه‌ی فلسطین «نه» می‌گوید، دشمنان بی‌دی.اس که بخش بزرگی از آن‌ها صهیونیست‌ها، سیاستمداران، طرفداران بازار آزاد و دشمنان مردم فلسطین هستند را با کار خود راضی و خوشحال می‌کند و احتمالاً ارتباطات گسترده‌تر و مفیدی برای شخص خودش و جهان خود کسب می‌کند. او از زندان‌های ایران می‌گوید اما در مورد زندان‌های فلسطین اشغالی سکوت می‌کند؛ این همان تناقض آشکاری است که هیچ دلیلی برای کنسرت گذاشتن در سر زمینی که میلیون‌ها آواره‌ی فلسطینی اجازه‌ی بازگشت به آن را ندارند نمی‌تواند آن را توجیه کند. شاهین نجفی می‌خواهد درباره‌ی خاوران، فرودستان و صلح آواز بخواند. قطعاً او در سالن کنسرتش جنازه‌ی هیچ فلسطینی‌ای را نمی‌بیند، در ساحل می‌نشیند و دغدغه‌ی آن فلسطینی‌هایی که پشت ایست‌های بازرسی مانده‌اند را ندارد، به غروب آفتاب، در حالی که به پناهنده‌های فلسطینی در اردوگاه‌ها پشت کرده است نگاه می‌کند. شاهین نجفی در تمام این لحظات یک چیز را فراموش می‌کند که او با حضورش در سرزمین اشغالی، خود تجسم مفهوم «هنرپند» شد؛ شاید نماد مرگ یک هنرمند در لحظه‌ای که هنرش ابزارش در دست قدرت‌ها، یا رؤیاهای شخصی‌اش می‌شود؛ ابزاری علیه مردم. زمانی که هنرمند غیرمردمی می‌شود و دیگر اگر هم پیش‌تر هنرمند بود هنرش و خودش می‌میرند. آن لحظه‌ای که حتی برای خواندن از درد هم، باید فکر کند چه دردی مزایای شخصی و شغلی برایش به ارمغان می‌آورد؛ حتماً خواندن از سرکوب و جنایت‌های دولت ایران در سر زمینی که دولتش بر پایه‌ی جنایت‌های سازمان‌یافته ساخته شده است یکی از آن «منافع» است که وقتی هنر معترض می‌میرد روی نعش‌اش می‌توان آینده‌ی شغلی ساخت.

^۱. <https://www.inn.co.il/News/News.aspx/337960>

^۲. <http://www.jerusalemonline.com/culture-and-lifestyle/iranian-singer-with-bounty-on-head-to-perform-in-tel-aviv-26774>

فلسطین مساله‌ای است که برای فعالان سیاسی و فرهنگی، با نام و بدون نام، تعیین‌کننده است؛ صلح در منطقه و جهان به عدالت، حق زندگی برابر، حق بازگشت برای فلسطینی‌ها، پایان جداسازی، اشغال و جنایت علیه فلسطین گره خوره است. این صلح با وجود صهیونیسم و عاملانش، با حضور کسانی که با به رسمیت نشناختن درد، مقاومت و مبارزه‌ی مردم فلسطین جنایت‌های صهیونیسم را رسمیتِ ایدئولوژیک می‌بخشند خود تبدیل به عامل سرکوب می‌شود؛ آن‌جا که در جایگاه سرکوب‌گر از صلحی حرف می‌زنیم که ارزش شمرده می‌شود اما در حقیقت شعار نظام موجود است تا به این وسیله معیارهای دروغین خود را به عامل سنجش مردم فرودست تبدیل کند و پشت این نام بدون به رسمیت شناختن جنایت‌های خودش و رنج‌های مردم ستم‌دیده با تمام اِبرازش از جمله گفتمن لیبرال صهیونیستی پُشت نام صلح، مقاومت فرودستان را به ضد ارزش تبدیل کرده و خود را بازتولید کند. این‌گونه است که از دیرباز «فلسطین» و رویکرد افراد و گروه‌ها معیار سنجشی برای انسانیت، صلح‌طلبی و مواضع سیاسی بوده است. حالا نوبت شاهین نجفی است که با حضور یا عدم حضور خود در تل‌آویو در برنامه‌ای که از شکسته شدن بی.دی.اس شادی می‌کند، جایگاه خود را تعریف کند؛ تنها دو راه وجود دارد، یا در کنار مبارزه‌ی مردم فلسطین می‌ایستد (که یکی از تاثیرگذارترین انواع مبارزه و مقاومت فلسطین در دهه‌ی اخیر، همانا «بی.دی.اس» است) و در این برنامه شرکت نمی‌کند، یا با حضور خود در این برنامه در سرزمین‌های اشغالی در کنار ستم‌گر می‌ایستد. این حس «موفقیت» یا «شهرت» برای برگزارکنندگان این برنامه و افرادی مثل شاهین نجفی مقطعی خواهد بود، زیرا چنان که می‌دانیم و این بند از نوشته‌ی رفیق تراب حق‌شناس و علی‌اصغر حاج سید جوادی انتهای این مقاومت و مبارزه‌ی مردم فلسطین برای دهه‌ها را فاش می‌کند: «در این نبرد نابرابر بین زورمداران امپریالیست و صهیونیست و بین مردمی که چیزی جز اراده‌شان برای یک زیستی انسانی و عادی مایملکی ندارند، در این نبرد که نه قدرتِ زورمدار مطلق است و نه ضعفِ ستم‌دیده، بُرد با کسی ست که بیشتر ایستادگی کند.»^۱

اسفند ۱۳۹۵

پراکسیس

Praxies.org

۱. جنایت جنگی اسرائیل در غزه: مسأله نه تنها انکار حقوق مردم فلسطین، بلکه انکار موجودیت آنهاست | علی اصغر حاج سید جوادی و تراب حق‌شناس